

۳۷۴

## معنای فعل «کاد» در قرآن

دکتر سید بابک فرزانه<sup>۱</sup>



### چکیده:

ترجمه «کاد» که ساختهای گوناگون آن به صورت مثبت و منفی در قرآن به کار رفته است دقت بسیار می‌طلبد. مفسران و دستور نویسان در خصوص این فعل، هنگامی که مثبت یا منفی است؛ دیدگاه‌های متفاوتی ابراز داشته‌اند. در این مقاله کوشیده ایم با بررسی دیدگاه‌های ارائه شده و نیز ارائه نمونه‌های قرآنی و رجوع به تفاسیر مختلف، به معانی دقیق‌تری از این فعل دست یابیم. کلید واژه‌ها: قرآن، کاد، کاد مثبت، کاد منفی، کاد زاید.

فعل کاد (و مضارع آن یکاد) که در دستور زبان عربی از افعال مقاربه به شمار است به دو صورت مثبت و منفی بکار می‌رود. دستور نویسان می‌گویند فعل های کاد، کرب و اوشک بر نزدیکی وقوع خبر دلالت دارند. گرچه نزدیکی خبر مستلزم واقع شدن آن نیست بلکه گاه وقوع آن غیر ممکن است. مانند این آیه شریفه: یکاد زیتها یضیء ولولم تمسسه نار (النور، ۳۵) نزدیک است که روغنش - هر چند بدان آتشی نرسیده باشد - روشنی بخشد (فولادوند).

اگر کسی بگوید: کاد سعید ییکی، بدین معنا است که سعید نزدیک بود گریه کند اما نکرد. یعنی عمل گریه کردن منتفی است. در این خصوص فراء و ازهری می‌گویند: کاد مثبت به معنای نفی وقوع خبر است (رک: ازهری، ۳۲۷/۱۰-۳۲۹) و کاد منفی ما کاد یا لم یکد به اعتقاد غالب دستور نویسان و زبان شناسان نفی مطلق خبر است (رک: ابن هشام، ۸۶۹/۱؛ ابن فارس، ۱۶۰) به عنوان نمونه در عبارت: لم یکد الثمر ینضج رسیدن میوه، منتفی است. بر این اساس در بیشتر تفاسیر، آیه شریفه اذا اخرج یده لم یکد یراها (النور، ۴۰). این گونه تفسیر شده که هنگامی که کافر در آن انبوه ظلمت و تاریکی دست خود را خارج می‌کند آن را نمی‌بیند. مثلاً زمخشری در تفسیر خود می‌نویسد: لم یکد یراها مبالغه لم یرها است (کشاف، ۶۲۶، ۸۴۴). برخی نیز گفته‌اند: یعنی دست خود را به سختی و مشقت می‌بیند (رک: شیخ طوسی، ۱۵۷/۲-۱۵۸؛ بلاغی، ۲۰/۵؛ حسینی، ۵۷۶/۲؛ سلطان علیشاه، ۱۲۵/۳؛ طباطبایی، ۱۴۳/۱۵؛ زمخشری، المفصل، ۱۲۲؛ ابن هشام، ۸۶۹/۱؛ ابوالقیاء، ۱۹۵/۱؛ عکبری، ۱۵۷/۲). در حالی که فراء و ازهری بر آنند که نفی کاد به معنای اثبات آن است و مورد یاد شده را فرا استثناء دانسته است و قال الفراء: کلاما اخرج یده لم یکد یراها من شدة الظلمة لان اقل من هذه الظلمة لا تری الید فیه و اما لم یکد یقوم فقد قام، هذا اکثر اللغه (رک: ابن یعیش، ۱۲۴/۷؛ ابن منظور، ماده کود).

### نمونه های قرآنی برای "کاد" مثبت

۱- ولما رجع موسی الی قومه غضبان اسفاً قال بشس ما خلفتمونی من بعدی أعجلتم أمر ربکم وألقى الألواح وأخذ برأس اخیه یجره الیه قال ابن ام ان القوم استضعفونی و کادوا یقتلوننی فلا تشمت بی الأعداء ولا تجعلنی مع القوم الظالمین (الأعراف، ۱۵۰). و چون موسی خشمناک و اندوهگین به سوی قوم خود بازگشت گفت پس از من چه بد جانیشینی برای من بودید. آیا بر فرمان پروردگارتان پیشی گرفتید؟ و الواح را افکند و موی سر برادرش را گرفت و او را به طرف خود کشید. هارون گفت ای فرزند

۱۰۷

صحیفه مبین، شماره ۲۷، بهار و تابستان ۱۳۸۵ ش

مادرم این قوم مران‌توان یافتند و چیزی نمانده بود که مرا بکشند. پس مرادشمن شاد مکن و مرادر شمار گروه ستمکاران قرار مده. همانطور که ملاحظه می‌شود فعل کاد که به صورت مثبت در کنار یک فعل اصلی (یقتلوننی) نشسته، بدان معنای منفی بخشیده است. یعنی عمل کشتن صورت پذیرفته و منتفی است.

۲- لقد تاب الله على النبي و المهاجرين و الأنصار الذين اتبعوه في ساعة العسرة من بعد ما كاد يزيغ قلوب فريق منهم ثم تاب عليهم انه بهم رؤوف رحيم (التوبة، ۱۱۷). به یقین خدا بر پیامبر و مهاجران و انصار که در آن ساعت دشوار از او پیروی کردند ببخشود، بعد از آنکه چیزی نمانده بود که دل‌های دسته‌ای از آنان منحرف شود. باز بر ایشان ببخشود. چرا که او نسبت به آنان مهربان و رحیم است. علامه طباطبایی (ره) در تفسیر این آیه شریفه می‌نویسد: خدا، پیغمبر (ص) و مهاجران و انصار را بخشید. همان کسانی که در موقع سختی از او پیروی کردند پس از آنکه نزدیک بود دل‌های گروهی از ایشان از حق منحرف گردد. سپس آنها را ببخشید که خدا با آنان مهربان و رحیم است (۵۳۷/۹). در تفاسیر آمده که مراد از گروهی که نزدیک بود دل‌هایشان به سبب سختی‌هایی که در جنگ تبوک بدانان رسیده بود منحرف گردد ابوذر، ابو خثیمه و عمیره بن وهب است (حویزی، ۲۷۷/۲؛ قمی، ۵۶۳/۵). در این آیه نیز انحراف قلوب، صورت پذیرفته است. بنا بر این معنای کاد یزیغ، لم یزغ است.

۳- و ان كادوا ليفتنونك عن الذي اوحينا اليك لتفتري علينا غيره و اذا لا تخذوك خليلا و لولا ان ثبتناك لقد كدت تركن اليهم شيئا قليلا (الاسراء، ۷۳-۷۴). نزدیک بود آنها از آنچه بر تو وحی کرده ایم بفریبند تا غیر آن را به ما نسبت دهی و در آن صورت تو را به دوستی خود برمی‌گزینند و اگر ما تو را ثابت قدم نمی‌ساختیم نزدیک بود به آنان (جماعت ثقیف) تمایل کنی (ترجمه مکارم شیرازی؛ برای تفسیر بیشتر رک: حسینی، ۲۵۷/۲؛ جرجانی، ۳۲۳/۵). بنابراین در آیه یاد شده کاد معنی منفی به فعل پس از خود بخشیده است.

۴- وقالوا اتخذ الرحمن ولدا لقد جئتم شيئا ادا تكاد السماوات يتفطرن منه و تتشق الارض و تخر الجبال هدا ان دعوا للرحمان ولدا (مریم، ۸۸-۹۱). و کافران گفتند که خدای رحمان، فرزندی اتخاذ کرده است. (ای کافران) شما گفتار بسیار قبیح و زشتی بر زبان آوردید. نزدیک بود آسمان‌ها و زمین از این گفتار زشت از هم بپاشند و متلاشی گردند و کوه‌ها فروریزند که برای خدای رحمان فرزندی خواندید.

۵- الله نور السموات و الارض مثل نوره كمشكاة فيها مصباح، المصباح في زجاجة، الزجاج كأنها كوكب دري يوقد من شجرة مباركة زيتونة لا شرقية و لا غربية يكاد زيتها يضيء و لو لم تمسسه نار، نور على نور، يهدي الله لنوره من يشاء و يضرب الله الامثال للناس و الله بكل شئ عليم (النور، ۳۵).

خدا نور آسمان ها و زمین است. مثل نور او چون چراغدانی است که در آن چراغی و آن چراغ در شیشه ای است آن شیشه گویی اختری درخشان است که از درخت خجسته زیتونی که نه شرقی است و نه غربی، افروخته می شود. نزدیک است که روغنش - هر چند بدان آتشی نرسیده باشد - روشنی بخشد. روشنی بر روی روشنی است. خدا هر که را بخواهد با نور خویش هدایت می کند و این مثل ها را خدا برای مردم می زند و خدا به هر چیزی داناست:

۶- ... یکاد سنا برقه یذهب بالابصار (النور، ۴۳). نزدیک است درخشندگی برق آن (ابرها) چشم ها را ببرد.

۷- ... ان کاد لیضلنا عن آلهتنا لولا ان صبرنا علیها (الفرقان، ۴۱-۴۲). اگر نسبت به خدایانمان وفادار نمانده بودیم نزدیک بود گمراهمان کند.

در همه نمونه های یاد شده شکل مثبت کاد به فعل اصلی جمله منفی بخشیده است.

۸- واصبح فوادام موسی فارغان کادت لتبدي به لولا ان ربطنا علی قلبها لتکون من المؤمنین (القصص، ۱۰). یعنی قلب مادر موسی (ع) از همه چیز آسوده بود جز از خیال موسی (ع). گویند: یعنی قلبش از غم و اندوه موسی (ع) آسوده بود. زیرا اطمینان داشت که پسرش نجات می یابد و وعده خدا حق است. برخی گویند: یعنی وعده خدا را فراموش کرده بود اگر ما دل مادر موسی (ع) را به صبر و یقین تقویت نکرده بودیم نزدیک بود که از شدت غم، ناله خود را بیاد فرزند بلند کند (طبرسی، ۱۶۴/۱۸). اما این اتفاق نیافتاد. یعنی مادر موسی (ع) نزدیک بود از فرط اضطراب داستان موسی (ع) و راز درون خود را آشکار کند اما نکرد. بنابر این کاد مثبت در این آیه معنای منفی دارد (رک: لاهیجی، ۴۵۷/۳).

نمونه های قرآنی برای کاد منفی

۱- قالوا الآن جئت بالحق فذبوها و ما کادوا یفعلون (البقرة، ۷۱).

گفتند الان حقیقت را برای ما روشن کردی (آنگاه گاو را پیدا کرده) و آن را سر بریدند. ولی نزدیک بود که این کار را انجام ندهند (ترجمه احمد کاویان پور).

- اکنون حقیقت حال را روشن ساختی آنگاه گاو را سر بریدند، هر چند چیزی نمانده بود که آن کار را انجام ندهند (ترجمه کاظم پور جوادی).

- گفتند: اکنون حقیقت را گفتی. پس آن را کشتند، هر چند که نزدیک بود از آن سر باز زنند (ترجمه

۱- این در اینجا مخففه از منقله (ان) است (رک: سر صناعة الاعراب، ۵۴۸۲)

صحیفه مبین، شماره ۳۷، بهار و تابستان ۱۳۸۵ ش

۱۰۹

عبدالمحمد آیتی).

در تفسیرگازز آمده (۱۰۶/۱): پس آنگاه آن گاو را طلب کردند و بیافتند و به بهاء گران بخریدند و بکشتند و نزدیک بود که نکنند از گرانی بها (نیز رک: کاشانی، ۲۳۷). با توجه به آنچه گذشت باید گفت معنای کاد منفی در این آیه شریفه برخلاف نظر برخی چون فراء و ازهری و آنان که این آیه را شاهدهی برای نظر خود آورده اند (ابن هشام، ۸۶۸/۱) اثبات نیست بلکه اثبات ذبح از فذبحوها دریافت می گردد و نه از ما کادوا یفعلون. زیرا بنی اسرائیل به سبب گرانی گاو و ترس از مشخص شدن قاتل نمی خواستند فرمان خدا را اجرا کنند. از سوی دیگر ما کادوا یفعلون نمی تواند منافی فذبحوها باشد زیرا از نظر زمانی با یکدیگر مغایرت دارند. به عبارت دیگر آنان این کار را انجام ندادند (ما کادوا یفعلون) تا اینکه پرسش هایشان به پایان رسید و جایی برای تعللشان باقی نماند از این رو گاو را ذبح کردند (فذبحوها). در کتاب امالی شریف مرتضی (۳۳۷/۱) آمده: در عبارتی چون ما کاد (لم یکد) عبدالله یقوم دو معنی می توان برای کاد منفی در نظر گرفت:

الف) درنگ و کندی سپس آیه یاد شده رانمونه می آورد: فذبحوها و ما کادوا یفعلون یعنی پس از کندی و درنگ آن را ذبح کردند. چه یافتن آن گاو برایشان دشوار و یا گران بود.

ب) نفی مطلق مانند: اذا اخرج یده لم یکد یراها. گفتمی است برخی کاد منفی را در این جا به همان معنی کندی و درنگ دانسته اند و برخی نیز گفته اند به معنی لم یرد (نخواست) است که در این صورت معنی آیه چنین است: آنگاه که دست خود را خارج کرد نخواست که (آن را) ببیند. زیرا انبوه ظلمت وی را از این که دستش را ببیند مایوس نمود (همانجا). گروهی نیز واژه (یکد) را زاید و به منظور تاکید دانسته اند (همو، ۳۳۱-۳۳۲).

۲- قل کل من عندالله فما لهؤلاء القوم لا یکادون یفقهون حدیثا (نساء ۷۷) چه بر سر این قوم آمده که هیچ سخنی را نمی فهمند (آیتی).

در تفسیر تبیان آمده حدیث در این آیه شریفه به معنی قرآن و (لا یکادون) به معنی لا یقاربون است (ص ۲۶۳). طبرسی نیز معنای (لا یکادون یفقهون) را لا یفقهون حدیثا دانسته است (مجمع البیان، ۷۸۲)

۳- حتی اذا بلغ بین السدین وجد من دونهما قوما لا یکادون یفقهون قولا (کهف/۹۳) لاهیجی در تفسیر این آیه می نویسد (۹۵۳/۲): تا چون رسید میان دو کوه یافت در پیش آن دو کوه گروهی را که نزدیک نبودند بفهمند ایشان سخنی را به واسطه غرابت لغت ایشان و قلت فطنت آنها. دیگر نمونه های کاد منفی در قرآن نیز بدینگونه است که گفته شد.

۱۷۹۲

## نتیجه گیری :

از بررسی به عمل آمده معلوم گشت که کاد مثبت تنها بر نزدیکی وقوع خبر دلالت دارد نه بر وقوع آن و کاد منفی مقاربت خبر را نفی می کند و از این رو خبر منفی پس از کاد موکد تر از خبر منفی بدون کاد است. این امر مغایر است با آنچه فراء و ازهری گفته اند مبنی بر اینکه ماکدات ابلغ الیک به معنای قد ابلغ است. اما دیدگاه اخفش را تایید می کند که گفته : خبری که با کاد منفی می آید منفی بودنش با تاکید بیشتری بیان شده تا خبری که خود منفی است.

## ● منابع

علاوه بر قرآن کریم:

- ۱- ابن جنی، عثمان، سر صناعة الاعراب، به کوشش حسن هندای، دمشق، ۱۹۸۵م.
- ۲- ابن فارس، احمد، الصحاحی فی فقه اللغة العربیة، به کوشش مصطفی الشویحی، بیروت، ۱۳۸۲ق/۱۹۶۳م.
- ۳- ابن منظور، لسان العرب.
- ۴- ابن هشام، عبدالله، مغنی اللیب عن کتب الأعراب، به کوشش مازن مبارک و محمد علی حمد الله، بیروت، ۱۹۸۵م.
- ۵- ابن یعیش، شرح المفصل، بیروت، عالم الکتب، بی تا.
- ۶- ابوالقیاء، عبدالله، اللبّاب فی علل البناء و الاعراب، به کوشش غازی مختار طلیمات، دمشق، ۱۹۹۵م.
- ۷- ازهری، ابومنصور، تهذیب اللغة، به کوشش علی حسن هلالی، قاهره، ۱۹۶۴م.
- ۸- بلاغی، عبد الحجة، حجة التفاسیر، قم، ۱۳۴۵ش.
- ۹- جرجانی، حسین، جلاء الادهان و جلاء الاحزان، تهران، ۱۳۳۷ش.
- ۱۰- حسینی، محمد کریم، کشف الحقایق، تهران، ۱۳۹۶ق.
- ۱۱- حویزی، علی، نور الثقلین، قم، بی تا.
- ۱۲- زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق التنزیل الاقوال فی وجهه التناویل، قاهره، ۱۳۰۸ق.
- ۱۳- همو، المفصل فی النحو، به کوشش ی-ب- بروخ، لایبزیك، ۱۹۷۹م.
- ۱۴- سلطان علی شاه، محمد، بیان السعادة فی مقامات العبادة، تهران، ۱۳۴۴ش.
- ۱۵- شریف مرتضی، علی، الأمالی، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، ۱۳۷۳ق/۱۹۴۵م.
- ۱۶- شیخ طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، به کوشش احمد حبیب قصیر عاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- ۱۷- طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران، ۱۳۹۷ق.
- ۱۸- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، بیروت، ۱۳۷۹ق.
- ۱۹- عکبری، ابوالقیاء، التبیان فی اعراب القرآن، به کوشش علی محمد بجای، بیروت، بی تا.
- ۲۰- قمی، محمد، کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران، ۱۳۶۶ش.
- ۲۱- کاشانی، فتح الله، منهج الصادقین، تهران، ۱۳۴۴ش.
- ۲۲- لاهیجی، بهاء الدین محمد، تفسیر شریف لاهیجی، تهران، ۱۳۶۳ش.